

پیش‌خوان

به بهانه انتشار یادنامه زنده‌باد آیت‌الله حاج شیخ نصرالله شاه‌آبادی

در شناخت «همزه وصل»

■ **محمد رضا کائینی**



وی می‌تواند در گوسازی برای نسل جدید طلاب و البته جوانان مفید و موثر افتد. اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، در اولین سالگرد ارتحال آن مرحوم و به اهتمام جناب محمدرضا شاه‌آبادی نشر یافت و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. در آغازین بخش از دیباچه این اثر، اشاراتی در اهمیت رعایت اخلاق آمده است به شرح ذیل:

«خداوند در قرآن پیامبر رحمت خویش حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی صلی‌الله علیه‌واله را به اوصاف حمیده ای توصیف می‌نماید، و ایشان را به جهت اخلاق حمیده‌اش می‌ستاید و متذکر این نکته می‌گردد که چنانچه دارای این روی باز و خلق خوش نبودی مردم از اطرافت پراکنده می‌شدند. باری خداوند شخص اول عالم خلقت را الگوی جهانیان در تمامی مراتب زندگی معرفی می‌نماید که اولین و مهم‌ترین آن اخلاق نیکوی رسول مهربانی‌ها به خلائق می‌باشد. آن حضرت نزدیک‌ترین انسان‌ها را به خویش خوش اخلاق‌ترین ایشان کرده است.

در اخلاق پیامبر رحمت این نکته بیش از همه به چشم می‌خورد، پیامبر متواضع ترین مردم بود، هر که او را دعوت می‌نمود اجابت می‌کرد. پیامبر نسبت به همه بامحبت بود. پیامبر از کسی کینه به دل نمی‌گرفت مگر دشمنان خدا. پیامبر در انجام اوامر الهی کوتاهی نمی‌کرد. پیامبر در مقابل خلاف اعضاء نمی‌نمود. پیامبر در دست‌رستر مردم بود.



✔ آیت‌الله حاج شیخ نصرالله شاه آبادی

پیامبر از مراجعات مردم ملول و آزرده نمی‌شد. پیامبر نسبت به فقرا و یتام و بی سرپرستان بسیار عطف بود. پیامبر در گره‌گشایی از مشکلات مردم پیشقدم بود. درد و ناراحتی مردم او را می‌آزرد. پیامبر از کسی توقع نداشت. پیامبر در سلام کردن پیشقدم بود. این‌ها گوشه‌ای از هزاران صفات حمیده اسوه و الگوی بشریت حضرت ختمی مرتبت(ص) می‌باشد، که اهل بیت علیه‌السلام

نیز به همین سیره بودند. مومنین حقیقی و در راس آنها علمای آل محمد که پیشوایان و رهبران امت اسلامی می‌باشند نیز از همین الگو پیروی نموده‌اند.»
در بخش دوم از این مقدمه، خصال زنده یاد آیت‌الله حاج شیخ نصرالله شاه‌آبادی و چند و چون تدوین این اثر، اینگونه مورد اشاره قرار گرفته است: «مرحوم آیت‌الله آقای حاج شیخ نصرالله شاه‌آبادی (رضوان‌الله تعالی علیه) فرزند عالم و عارف کامل مرحوم آیت‌الله‌الظمی میرزا محمدعلی شاه‌آبادی (اعلی الله مقامه‌الشریف) که عمر با برکت خویش را در میان مردم در شهرهای تهران و نجف و قم سپری نمودند، نمونه بارز اخلاق اسلامی برای جامعه معاصر بودند. هرکس اندکی با ایشان آشنایی داشت اخلاق حمیده نبوی را در وجود این عالم متواضع و محبوب و خوش خلق میافت. انبوه مومنین و جوانان گریان در تشییع پیکر پاک این عالم مردمی گواهی بر این مطلیست. مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی به دنبال وصل و آشتی بود و از تفرقه و اختلاف پرهیز می‌کرد. وی در نجف اشرف همزه وصل بیوت علما اعلام بود و تا در نجف بود نگذاشت تضادی بر علیه نهضت اسلامی صورت گیرد. آیت‌الله شاه‌آبادی این سیره و مرام را تا آخر عمر داشت و علت ورودش به مجلس خیرگان رهبری، بازگشت اخلاق و دیانت و وحدت و انسجام به جامعه بود.

کتاب حاضر گوشه‌ای از مکارم این شخصیت وارسته از زبان بزرگان به بیوست زندگی نامه و پیام‌های تسلیت و اشعار درباره آن عالم اخلاقی می‌باشد. البته در کتاب حدیث نصر به صورت مفصل خطرات زندگی ایشان شرح داده شده است و این کتاب مختصری از احوالاتشان است که به مناسبت اولین سالگرد رحلت آن عالم خدم پیش روی مومنین به خصوص طلاب و جوانان جویای فیوضات رحمانی می‌باشد. امید که مورد توجه حضرت حق تعالی قرار بگیرد.»



—

جبهه ملی ایران، تعامل با نهضت ملی از دوره اوج تا روزهای افول

تراژدی شکست یک نهضت پیروز

هم قانون انتخابات اصلاح شود تا نمایندگانی که مایلند برای دور بعدی مجلس انتخاب شوند، برای تضمین نمایندگی دوره بعد، سکوت نکنند.

■ **ظهور رزم آرا و واکنش اردوگاه نهضت ملی ایران**

قبل از رزم‌آرا، رجبعلی منصور مسئول تشکیل یک کابینه موقت شد تا در وقت ضرورت استعفا بدهد و صحنه را برای دیگران خالی کند. کابینه منصور در ۵ تیر ۱۳۲۹ به شکل غیرمنتظره استعفا کرد و چند ساعت بعد، رزم‌آرا که رئیس ستاد ارتش و فرد مقتدری بود، براساس توافق انگلستان و امریکا به نخست‌وزیری منصوب شد و کابینه خود را معرفی کرد. آیت‌الله کاشانی بلافاصله با صدور بیانیه‌ای دولت رزم‌آرا را غیرقانونی اعلام کرد. جبهه ملی و دکتر مصدق هم که نمی‌توانستند با کابینه رزم‌آرا به‌الت دست انگلستان و امریکا بود، موافق باشدن، مخالفت خود را اعلام کردند و دکتر مصدق گفت: «دولت رزم‌آرا برخلاف سنن پارلمانی تشکیل شده و چون قبل از اخذ رأی اعتماد از مجلس، مأمور تشکیل کابینه شده، درحقیقت کابینه‌اش تصمیلی است.» با وجود اینکه جبهه ملی در ۵ تیر ۱۳۲۹ موضع خود را در مقابل کابینه رزم‌آرا اعلام کرد و از مردم خواست در برابر استبداد در حال تکوین مقاومت کنند، مجلس در ۱۳ تیر ۱۳۲۹ به کابینه رزم‌آرا رأی اعتماد داد. دولت رزم‌آرا قرار بود اولاً تکلیف قرارداد الحاقی را روشن کند و ثانیاً انجمن‌های ایالتی و ولایتی را تشکیل بدهد. مجلس شانزدهم رسیدگی به لایحه الحاقی را به کمیسیون نفت مشتمل از ۱۸ نفر که پنج نفر عضو جبهه ملی و ریاست آن با دکتر مصدق و مخیرآن حسین مکی بود، سپرد. کمیسیون نفت در ۵ تیر ۱۳۲۹ کار خود را شروع و طی ۲۴ جلسه متوالی پرونده‌های شرکت نفت ایران و انگلیس را بررسی کرد. تلاش‌های دکتر مصدق و جبهه ملی سبب گردید تا کمیسیون به اتفاق آرا به لایحه الحاقی گس-گلشائیان رأی منفی بدهد. سپس جبهه ملی پیشنهادی شدن نفت را مطرح کرد که از سوی کمیسیون پذیرفته شد. دکتر مصدق نظر کمیسیون را به مجلس اعلام و ملی شدن صنعت نفت را به عنوان «یگانه راه‌هایی ملت ایران از قید سلطه بیگانه» مطرح کرد. جبهه ملی معتقد بود تا

تاریخ

گفت‌وگو ۸۸۹۸۴۲۷

صنعت نفت مبنی بر خلع ید از شرکت نفت جنوب را با اکثریت آرا تصویب کرد. دولت علاء در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۳۰ استعفا داد و شاه هم نتوانست او را از این کار مصرف کند. جمال امالی که خود و پدراننش جیره‌خوار انگلیس بودند با این امید که دکتر مصدق مثل دوره چهاردهم مجلس، پیشنهاد نخست‌وزیری را قبول نخواهد کرد و آنها می‌توانند او را به منفی‌بافی و طرح پیشنهادهای ناممکن متهم کند، به او پیشنهاد کرد نخست‌وزیری را بپذیرد. انگلستان مطمئن بود که حتی اگر دکتر مصدق این پیشنهاد را هم بپذیرد، می‌توان با تحریم نفت و محاصره اقتصادی او را از پا درآورد و مشکل شرکت نفت را حل کرد. امریکایی‌ها هم با این تصور که دکتر مصدق کاملاً در اختیار آنهاست و اطرافش را هم بهترین جاسوسان امریکا گرفته‌اند، با نخست‌وزیری او موافق بودند.

■ **جلس محمد مصدق بر صندلی صدارت**

دکتر مصدق که نهضت ملی را در معرض خطر می‌دید فقط به این شرط این پیشنهاد را پذیرفت که لایحه ۹ ماده‌ای کمیسیون نفت در زمینه نحوه اجرای ملی شدن صنعت نفت مورد تصویب قرار گیرد. این لایحه در همان روز در مجلس شورای ملی و در روز نهم اردیبهشت در مجلس سنا تصویب شد و دکتر مصدق در روز ۱۲ اردیبهشت با اعلام برنامه‌های خود، کابینه‌اش را به مجلس معرفی کرد. برنامه‌های دکتر مصدق عبارت بودند از:

■ اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور و تخصیص درآمدهای حاصله به تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و ارتقای رفاه عمومی.

■ اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداری‌ها

آیت‌الله کاشانی ضمن اعلام پشتیبانی خود از دکتر مصدق، اعلام کرد که در انتخاب همکاران ایشان هیچ توصیه‌ای نخواهد کرد تا او با طیب خاطر و دست باز کارش را انجام بدهد، اما دکتر مصدق برخلاف تصور همگان، همکاران خود را از میان عناصر خوشنام داخل و خارج جبهه ملی انتخاب نکرد، بلکه برخی از وزرای دولت‌های سابق، از جمله سرهنگ زاهدی (وزیر کشور)، جواد بوشهری، عامل شناخته شده انگلستان (وزیر راه)، باقر کاظمی (وزیر امور خارجه) و… را دعوت کرد و از همین جا تفرقه در جبهه ملی شروع شد. هر چند کتر مصدق برای راضی نگه‌داشتن جناح‌های مختلف هیئت کمانه این کار را انجام داد، اما سبب گردید که عناصر برجسته جبهه ملی، از جمله عبدالقدری آزاد از جبهه ملی و فراکسیون نفت کناره‌گیری کنند.

دکتر مصدق در خرداد ۱۳۳۰ هیئت مدیره موقت شرکت نفت را مأمور خلع ید از شرکت نفت جنوب کرد و در ۲۹ خرداد ۱۳۳۰ خلع‌ید از شرکت نفت انگلیس به عمل آمد. دولت انگلستان از محمدرضاشاه خواست که قانون خلع ید را قبول نکند، اما طبق اصل ۴۹ متمم قانون اساسی شاه اختیاری برای جلوگیری از اجرای قوانین مصوب مجلس نداشت، انگلستان که منافع خود را در خطر می‌دید، برای ایجاد رعب و وحشت ناعراض حرکت می‌کنید. حتی به خلیج فارس گسیل داشت. کشتی‌های انگلیسی به شط‌العرب آمدند و در ساحل ایران لنگر انداختند، اما اتحاد گروه‌های سیاسی و توده مردم در نیز شرایط بین‌المللی که شامل رقابت بین امریکا و انگلیس و ترس از شوروی بود، مانع از وقوع جنگ شد. انگلستان از ترس شروع جنگ جهانی از حمله منصرف شد و به طری حمله به ایران، کارمندان خود در شرکت نفت را برداشت و برد.

■ **طرح دع‌وای انگلستان در دادگاه لاهه**

انگلیس از سیاست جنگی نتیجه نگرفته بود، سعی کرد در مراجع قانونی بین‌المللی طرح دعوا کند. از این رو به دیوان بین‌المللی لاهه شکایت کرد. دولت مصدق به دخالت دیوان لاهه اعتراض کرد، زیرا دیوان لاهه فقط صلاحیت رسیدگی به دعاوی بین دولت‌ها را داشت و حق دخالت در دعوای یک دولت لاهه به شکایت ایران وقتی نهداد و در ۱۲ تیر با یک شرکت تجاری را نداشت، اما دادگاه صلح بین‌المللی به شورای امنیت شکایت کرد. جلسات شورای امنیت در اواخر مهر ۱۳۳۰ با حضور دکتر مصدق تشکیل شدند و از او حقانیت ایران و نهضت ملی دفاع کرد. سرانجام شورای امنیت برخلاف درخواست انگلستان اعلام کرد که چون دیوان بین‌المللی لاهه در مورد صلاحیت خود اظهارنظری نکرده، لذا موضوع مسکوت می‌ماند. ایران

شرکت نفت ایران و انگلیس وجود دارد، استقلال سیاسی و اقتصادی ممکن نخواهد بود. رزم‌آرا در پی این رویداد، عرصه را بر اقلیت مجلس تنگ و نشریاتی را که افکار جبهه ملی را منتشر می‌کردند توقیف کرد. شرکت نفت که می‌دید لایحه الحاقی گس-گلشائیان نزدیک است که به قانون ملی شدن صنعت نفت منجر شود، به رزم‌آرا دستور داد لایحه الحاقی را از مجلس پس بگیرد. کمیسیون نفت بعد از مخالفت با لایحه الحاقی دول ماه فرست خواست تا در مورد صنعت نفت در تمام کشور بررسی‌های لازم را انجام بدهد. کمیسیون نفت در ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ تصمیم خود مبنی بر ملی شدن نفت را به مجلس شورای ملی اعلام کرد که در همان روز به تصویب مجلس شورا رسید و مجلس سنا هم در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ این تصمیم را تصویب کرد.

■ **غافلگیری انگلستان در پی ترور رزم‌آرا**
اسفند ۱۳۲۹ توسط فدائیان اسلام در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹، صنعت نفت توسط مجلس شورا و مجلس سنا تصویب شد. این کار به قدری سریع انجام شد که انگلستان را به شسدت غافلگیر کرد. حسین علاء، وزیر دربار به نخست‌وزیری رسید و حکومت نظامی را لغو کرد و در تشکیل کابینه خود هم از وزرای قبلی که طرفدار قرارداد الحاقی بودند، که مدافع سیاست‌ها و حافظ منافع انگلیس بود، ماه استعفا داد. علاء می‌خواست هیجان‌ها فرو بنشینند و زمینه برای نخست‌وزیری سیدضیاء طباطبایی فراهم شود تا او با تشکیل کابینه‌ای که مدافع سیاست‌ها و محافظ منافع انگلیس بود، تمام دستاوردهای مجلسین را در مورد ملی کردن صنعت نفت به یاد بدهد. جبهه ملی با آگاهی از این خدعه امپریالیسم، تلاش برای خنثی کردن این نقشه را آغاز کرد و با کابینه علاء مخالفت نکرد تا برای استعفا بهانه به دست او ندهد و این خدعه افشا شود.

شاه و علاء با ملی شدن نفت موافق نبودند و امکان داشت دو ماه مهتی که مجلس شورای ملی در ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ به کمیسیون نفت داد، احسانات پرشور ضداستعماری را در مردم سرد کند، اما برخلاف انتظار دربار و نخست‌وزیر، کمیسیون نفت در روز ۵ اردیبهشت ۱۳۳۰ طرح ۹ ماده‌ای مربوط به اجرای قانون ملی شدن



تصویری از روز هیئت خلع ید از شرکت نفت ایران و انگلیس بهمناسبت انقلابشاهی آبادان. در تصویر حسین مکی دیده می‌شود.

در بهمن ۱۳۳۰ کنسولگری‌های انگلیس و شعب شورای فرهنگی آن را در سراسر کشور منحل کرد. دکتر مصدق در خرداد ۱۳۳۱ به لاهه رفت و با اثبات عدم صلاحیت دیوان بین‌المللی لاهه، ۱۸۱ سند را مبنی بر دخالت انگلیس در امور داخلی ایران به دادگاه ارائه کرد. پس از این پیروزی، کارکنی کشورهای اروپایی برای متوقف کردن صادرات نفت ایران شروع شد و دیگر کشورها پس از خروج کارشناسان نفتی انگلستان از ایران، از اعزام کارشناس به ایران خودداری کردند و حاضر به خرید نفت ایران هم نشدند. در نتیجه منبع اصلی درآمد ایران قطع شد.

دکتر مصدق در روز اول دی ۱۳۳۰ اوراق قرضه ملی را منتشر کرد و مردم برای خرید آن استقبال عجیبی کردند. البته بیشتر طبقات متوسط در این امر مشارکت کردند و ثروتمندان خود را کنار کشیدند. آیت‌الله کاشانی در جهت حمایت از دولت اعلام کرد کسانی که از سال ۱۳۲۵ مالیات خود را نپرداخته‌اند، فوراً بپردازند. به این ترتیب توطئه استعمار خنثی شد و کشور توانست در برابر آنها مقاومت کند.

■ **آغاز واگرایی در اردوگاه نهضت ملی**

با این همه و سسوگمندانه، انسجام ملی به دست آمده با پیدا شدن اختلاف در جبهه ملی آسیب دید. عده‌ای از مؤسسين جبهه ملی که از اقدامات دکتر مصدق ناراضی شده بودند، کناره‌گیری کردند و برخی هم تبدیل به دشمن شماره یک او شدند. اولین اقدام دکتر مصدق که زمینه را برای رنجش‌ها و کناره‌گیری‌ها مساعد کرد، اعلام اسامی وزرای اولین کابینه وی بود. برخی هم مشورت‌ناپذیری دکتر مصدق را موجب پراکندگی یاران دیرینه‌اش در جبهه ملی از او می‌دانند. همچنین انتخاب افرادی چون دکتر احمد متین‌دفتری، داماد و خواهرزاده دکتر مصدق به عضویت هیئت مدیره شرکت نفت و همراهی دکتر مصدق در سفر به شورای امنیت، مخالفت عده‌ای از اعضای مؤسس جبهه ملی را در پی داشت، اما اکثریت قریب به اتفاق جبهه ملی و توده مردم هنوز هم از دکتر مصدق حمایت می‌کردند. در روز ۲۵ تیر ۱۳۳۱ دکتر مصدق بدون مشورت با یارانش در جبهه ملی، برای مواجهه با مخالفان داخلی و از همه مهم‌تر، دربار، از شاه خواست که وزارت جنگ را به او واگذار کند. شاه با این درخواست موافقت نکرد و دکتر مصدق هم استعفا داد. پس از استعفاي دکتر مصدق، شاه بلافاصله قوام‌السلطنه را مأمور تشکیل کابینه کرد. مجلس به ریاست امام جمعه تهران و در غیبت نمایندگان طرفدار دکتر مصدق، بلافاصله به قوام‌السلطنه رأی اعتماد داد.

■ **و سرانجام افول منحنی نهضت ملی …**
اسفند ۱۳۳۱ بلافاصله پس از دریافت حکم نخست‌وزیری، بیانیه شدیداللحنی را صادر و به طرفداران ملی شدن نفت حمله و همه را به اجرای «اعدام‌های دسته‌جمعی» تهدید کرد. آیت‌الله کاشانی به‌شدت با او به مقابله پرداخت و اعلام کرد که ملت ایران زیر بار این اریساب جنایتکار نخواهد رفت و اگر کار سخت نشود خودم کفن می‌بوشم و جلوی خانه نشانه اعتراض حرکت می‌کنم. تا خون در رگ من و این ملت هست اجازه نخواهیم داد قوام بر ما حکومت کند. قوام حاضر شد انتخاب‌شش وزیر را به اختیار آیت‌الله کاشانی بگذارد، ولی نشانی قبول نکرد. حتی دستور داد ایشان را دستگیر کنند که موفق نشد. در شب ۳۰ تیر، سرلنکر علوی مقدم، فرماندار نظامی تهران، حکومت نظامی اعلام کرد. صبح روز ۳۰ تیر مردم از هر طرف تهران به سمت مجلس شورای ملی به راه افتادند و مأموران عده‌ای را به خاک و خون کشیدند. شاه تاظهر روز ۳۰ تیر هم مقاومت کرد، اما بالاخره مجبور شد در ساعت ۴ بعدازظهر به بازگشت مصدق رضایت بدهد. شاه وزارت جنگ را به دکتر مصدق واگذار کرد و مجلس هم به ایشان رأی اعتماد داد. به این ترتیب دکتر مصدق از موقعیت مستحکمی برخوردار شد. دادگاه لاهه به نفع ایران رأی داد و آیت‌الله کاشانی به ریاست مجلس برگزیده شد. همه چیز آماده بهره‌برداری از نهضت ملی و نجات ملت رنج کشیده ایران از بدبختی بود، اما در اثر توطئه‌های خارجی و زمینه‌های داخلی بین دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی اختلاف افتاد. دکتر مصدق حمایت توده‌های مردم را از دست داد و از مهم‌ترین پایه‌های قدرت خود یعنی پشتیبانی مردم محروم شد.

دکتر مصدق به اشتباه نقش آیت‌الله کاشانی را در قیام ۳۰ تیر نادیده گرفت و تصور کرد مردم در حمایت از او به میدان آمده‌اند، به همین دلیل به توصیه‌های ایشان هم توجه نداشت و صراحتاً به ایشان گفت که در کارها دخالت نکنند! از سوی دیگر با توجه به اعتمادات گسترده دکتر مصدق، خواسته‌های عمومی مردم هم به‌شدت بالا رفته بود. کناره‌گیری عناصر مؤسس جبهه ملی و آیت‌الله کاشانی، هم‌زمان با توطئه‌های دربار و انگلیس و امریکا، زمینه را برای وقوع کودتای امریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مساعد کرد و نهضت ملی که با خون دل‌های فراوانی پیروز شده بود، عملاً به شکست انجامید.